

چندی قبل در آلمان سمفونی مولانا ساخته هوشنگ کامکار با صدای علیرضا قربانی و اجرای ارکستر سمفونی جوانان شهر دوسلدرف آلمان براساس یکی از غزلیات مولانا، اجرا شد که ویدئو آن را در سایت زیر می توانید ببینید

www.kalam.tv/fa/video/39193

در این سمفونی قسمت‌هایی از یکی از غزلیات مولانا خواند شده که کامل غزل بشرح زیر است:

خوش خرامان می‌روی ای جان جان بی‌من مرو	ای حیات دوستان در بوستان بی‌من مرو
ای فلک بی‌من مگرد و ای قمر بی‌من متاب	ای زمین بی‌من مروی و ای زمان بی‌من مرو
این جهان با تو خوش است و آن جهان با تو خوش است	این جهان بی‌من مباش و آن جهان بی‌من مرو
ای عیان بی‌من مدان و ای زبان بی‌من مخوان	ای نظر بی‌من مبین و ای روان بی‌من مرو
شب ز نور ماه روی خویش را بیند سپید	من شیم تو ماه من بر آسمان بی‌من مرو
خار ایمن گشت ز آتش در پناه لطف گل	تو گلی من خار تو در گلستان بی‌من مرو
در خم چوگانت می‌تازم چو چشمت با من است	همچنین در من نگر بی‌من مران بی‌من مرو
چون حریف شاه باشی ای طرب بی‌من منوش	چون به بام شه روی ای پاسبان بی‌من مرو
وای آن کس کو در این ره بی‌نشان تو رود	چو نشان من تویی ای بی‌نشان بی‌من مرو
وای آن کو اندر این ره می‌رود بی‌دانشی	دانش راهم تویی ای راه دان بی‌من مرو
دیگرانت عشق می‌خوانند و من سلطان عشق	ای تو بالاتر ز وهم این و آن بی‌من مرو

غزل اشاره ای دارد به این که جهان هستی لحظه به لحظه در حال دگرگونی و تحول و خلق پدیده هائی است که ماهیت تمام آنها نو می باشد و هیچ پدیده و رویدادی عینا تکرار نمی شود .

در قرآن سورهٔ رحمن آیه 29 مضمونی بشرح زیر است :

"او (خداوند) هر روز در شأن و کاری است"

و در این رابطه حدیثی از حضرت علی (ع) است بدین مضمون:

"حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که هرگز نمی میرد و شگفتیهای خلقتش پایان نمی گیرد، چرا که هر روز در شأن و کاری است و خلقت تازه ای می آفریند که هرگز نبوده است"

اما انسان اسیر "من" یا "نفس" این پدیده های نو را با دانستگی های گذشته خود تعبیر و تفسیر می کند و آنها را اغلب تکراری درک می کند، بعبارتی "من" از انسان یک سیستم بسته یا ایستا ساخته است و یک سیستم ایستا نمی تواند خود را با رویدادهای نو هماهنگ نماید.

حال مولانا در این غزل ضمن اشاره به حرکت جهان (جان جانان، حیات دوستان، فلک، قمر، زمین، زمان،...) می خواهد که با این حرکت و دگرگونی هماهنگ باشد:

ای جان جان بی من مرو

ای حیات دوستان در بوستان بی من مرو

ای فلک بی من مگرد

ای قمر بی من متاب

ای زمین بی من مروی

ای زمان بی من مرو

.....

بعبارتی تمام کائنات به نحوی مانند این ارکستر که این سمفونی را اجرا کرده با هم هماهنگی دارند و تنها انسان (تا آنجا که ما می دانیم) است که بدلیل ایستائی "من" نمی تواند خود را با ارکستر کائنات هماهنگ کند و سازش با سمفونی جهان کوک نیست .